

چشم چرانی

عبدالحلیم قاضی
مدرس دارالعلوم زاهدان

دین اسلام برنامه صحیح تربیتی خود را بر اساس احیای تمایلات کریمانه انسانی، و تعدیل غرایز و خواهشهای نفسانی پایه ریزی کرده، و از راه مراقبت در انجام فرایض دینی و تمرین وظایف و واجبات عبادی و اخلاقی، پیرامون خود را در کسب عادت پسندیده تقوا و کنترل نفس برای رسیدن به ملکات فاضله اخلاق نیکو تشویق فرموده است و از دنباله روی شیطان به شدت بر حذر داشته است؛ «یا ایها الذین آمنوا لاتتبعوا خطوات الشیطن و من يتبع خطوات الشیطن فانه یأمر بالفحشاء و المنکر»^(۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید پیروی مکنید گامهای شیطان را، و هر که پیروی کند گامهای شیطان را بداند که شیطان دستور به فحشاء و منکر می دهد.

چشم چرانی یکی از دامها و سلاحهای خطرناک شیطان جهت گمراه کردن انسانها و دور کردن آنان از راه خداوند متعال می باشد، زیرا اسلحه آتشین با شلیک باروت و گلوله سربی فقط به حیات دنیوی انسان خاتمه می دهند؛ اما سلاح چشم چرانی گلوله های بی صدایی به سوی انسان پرتاب می کند که مایه زیان دنیا و آخرت است.

اثرات نگاه حرام

نگاه و چشم چرانی، حسد و حسرت و افسردگی و بغض و غفلت از واجبات را به دنبال داشته، و مکر و حیله و نیرنگ و خیانت را در دلها کاشته و رشد می دهد و تا به مقصود خود نرسیده هرگز از پای نمی نشیند و سرانجام در دام هرزگی و فساد گرفتار می شود.

عوامل مؤثر و مفید و جهت دهنده در زندگی انسانها بسیار زیادند، اما عادت، از جمله یکی از تأثیرگذارترین عواملی است که انسان را به مسیر خود رهنمون کرده و به انجام کاری که بدان خو کرده است وامی دارد. صفات و عادات گر چه اکتسابی بوده و بر اثر تمرین و ممارست در ضمیر انسان ریشه دوانیده و رنگ عادت به خود می گیرد ولی مانند صفات ذاتی و تمایلات طبیعی از نیرو و اقتدار بهره مندند.

در این نوشتار ان شاء الله به بررسی اثرات سوء عادت زشت چشم چرانی و خاستگاههایش و زیانهای بنیان برافکنش می پردازیم.

خاستگاه عادات خوب و بد یا هنجارها و ناهنجارها

حضرت رسول اکرم ﷺ می فرماید: «کل مولود یولد علی فطرة الاسلام فابواه یهودانه او ینصرانه او یمجسانه»؛ هر مولود بر فطرت پاک اسلام به دنیا می آید، اما بعد از ولادت، والدین او، او را یهودی یا مسیحی یا زرتشتی بار می آورند.

در این حدیث اشاره به این شده است که تغییر دهنده نهاد توحیدی و ضمیر یکتاپرستی نوباوگان، محیط پیرامون آنان است؛ چون خوبی و بدی عادات انسانها، تابع تربیتهای اولیه و محیط پرورش آنان است. اگر برنامه های تربیتی در جامعه و محیط زندگی بر اساس پاکی و فضایل استوار باشد انسان گام به گام و به تدریج به خلق و خوی پسندیده عادت می کند و در مسیر خوش بختی و سعادت گام بر می دارد، اما اگر از همان بدو تولد نه تربیت درست باشد و نه محیط پیرامون او سالم باشد به خلق و خوی انحرافی عادت کرده و مایه تیره روزی و شقاوت او خواهد بود.

مصطفی صادق رافعی علیه السلام - از کارشناسان امور اجتماعی - می نویسد:
«نگاه حرام باعث از دست رفتن زمام و کنترل روح و شکست اراده، و اختلال فکر و اندیشه انسان می شود.»^(۱)

اسباب و علل

زنانی که عفت و حیای خود را از دست داده و با بی حجابی و با تجملات و آرایشهای کاذب و با لباسهای عجیب و غریب و تنگ و نازک مد روز خیابانها و بازارها را زینت بخشیده و به رونق هر چه بیشتر آنها می افزایند و جوانان را به نظاره و تماشای مفاتن و برجستگی های اندامهای خود فرا می خوانند و هرزگی را رواج می دهند این گونه زنان و مردان هرزه بدانند که محاسن زنان چیزی جز وهم نیست.

رافعی علیه السلام می نویسد: «همه محاسن و زیبایی های زن گونه ای از خیالات و تصوّراتی است که از حقیقت برخوردار نیستند و آنچه که حقیقت دارد فقط از نقطه نگاه چشم چران است. اگر زن فتانه است فقط برای مردی حقیقت دارد که شیدای اوست، و اگر طبیعت به حرف در می آمد، به مردی که فریفته زنان هرزه شده و همیشه از محاسن و مفاتن و افسون گری های آنان صحبت می کند، می گفت: خیر، اینها حقیقتی جز دل خوشی ها و شهوات تو نیست؛ بلکه زینت زن سراسر مکر و فریب و کشکول تمام پیچیدگیها و ناهنجاریهاست؛ زیرا هر چه در نسبت و میزان آرایش و زینت اسراف و مبالغه کرده و تکلف به خرج دهد به همان نسبت به مکر و فریب او افزوده می شود. بنابراین زینت و آرایش صورت و اندام زن در وحشی گری و آشوب و اغواگری مثل ناخن و چنگال و دندان است، البته با این تفاوت که ناخنها و چنگالها و دندانها سلاح و وحشی گری و طبع انسان در حال دریدن است و زینت و آرایش زن سلاحی برای وحشی گری های غریزه بیداری است که می خواهد بدرد و پاره کند؛ و زنان نباید این مسئله را انکار کنند که زینت اندام او ژاژخایی زیادی است که هر کدام سخنی و پیامی جداگانه برای مردان هرزه دارد.»^(۲)

این گونه عرض اندام بی بندوبار و به دور از فکر آبروی و ننگ بوده، و باعث می شود جوانان خویشتن داری نکرده و در دام فساد گرفتار آیند، بالا رفتن سن از دواج و تماشای فیلم های مهیج و شهوات انگیز و دیدن زنان بدحجاب و نیمه عریان در کوچه و خیابان که خود از ارمغانهای زیان بار تمدن غرب بوده بر فشار طبیعی جنسی جوانان افزوده و آتش غریزه آنان را شعله ور کرده و منجر به تضعیف عفت و اخلاق گردیده، چه بسا که تمام ارزشهای اخلاقی و اسلامی و اجتماعی را نادیده می گیرند.

ویل دورانت می نویسد: «تحدید شهوات در جامعه صنعتی که از دواج را تاسی سالگی به تأخیر می اندازد، امری دشوار و غیر طبیعی می نماید، شهوت ناگزیر سر بر می آورد و کف نفس مشکل می گردد عفت که وقتی جزو فضایل بود مردود می شود و حجاب و حیای میان می رود، مردان به کثرت گناهان افتخار می کنند و زنان می خواهند در لجام گسیختگی با مردان همقدم شوند، عشق بازی امری عادی می شود و فحشاء رسمی.»^(۳)

آری، مبارزه با شهوات و دوری از چشم چرانی برای هر کس ساده نیست، فقط آن دسته از جوانان می توانند از فساد و گمراهی درامان بمانند که پای بند سنن اسلامی و وظایف انسانی بوده و در این راه مجاهده کنند و بر شهوات و تمایلات نامشروع جنسی خود مسلط باشند و هویت و شخصیت اسلامی را از دست نداده و خود را نیازمند و عنان نفس سرکش را هرگز از دست ندهند، و این کار با استمداد از خداوند بسیار ساده است.

قرآن مجید می فرماید: «والذین جاهدوا فینا لنهذبهم سبلنا»^(۴)؛ کسانی که برای (رضایت) ما به تلاش ایستند و در راه (پیروزی دین) ما جهاد کنند، آنان را در

مبارزه
با شهوات و دوری از چشم چرانی برای هر کس ساده نیست، فقط آن دسته از جوانان می توانند از فساد و گمراهی درامان بمانند که پای بند سنن اسلامی و وظایف انسانی بوده و در این راه مجاهده کنند و بر شهوات و تمایلات نامشروع جنسی خود مسلط باشند.

۱- مصطفی صادق رافعی، وحی القلم: ۱۰۹/۲، دارالقلم العربی، سوریه، حلب، ۱۹۹۷ میلادی
۲- منبع سابق: ۵۳/۲
۳- فلسفی، گفتار فلسفی جوان، ص: ۱۰۰ به نقل از لذات فلسفه، ص: ۹۱
۴- عنکبوت: ۶۵

راههای منتهی به خود رهنمود (و مشمول حمایت و هدایت خویش) می‌گردانیم.

زمانی که زن فاقد حیا و حشمت باشد و آن را از دست بدهد به بی‌حجابی و به بی‌راهه کشاندن مردان روی می‌آورد و اسرار زنانگی و جسمانی خود را در معرض دید عموم قرار می‌دهد و شوخ‌چشم می‌شود که این همه دلالت بر کمال زیبایی و ظرافت و متمدن بودن او نمی‌کند بلکه بیانگر بی‌حیایی و سبک‌سری اوست.

زنان در درون خود فقط در برابر یکی از دو چیز کاملاً تسلیم می‌شوند: ۱- حیا ۲- غریزه جنسی
اگر تابع غریزه خود باشد بی‌شرم و بی‌آزم خواهد بود، اگر تابع حیا باشد و در برابر آن کرنش نشان دهد غریزه خود را کنترل کرده باشد که این زن، همان زن واقعی است که سرمایه انسان است و شایسته شوهر و نسل و انتقال اخلاق کریمانه می‌باشد. زیرا زن نزد اهل فضل و دانش سنگ بنای کانون خانواده، و دارای مقام و حقوق و احترام خاصی است بشرطی که زینت بخش بازار و خیابانها و اماکن عمومی و مرتع چشمان هوس‌بازان نباشد و گر نه خدای نکرده سبیل تحریک غریزه جنسی و هوس‌بازان خواهد شد و مقصود و هدف مطلوب شیطان از طریق چنین زنانی تأمین می‌شود که نه شایستگی کانون گرم خانواده و تربیت اولاد را خواهند داشت و نه آن جایگاه ویژه اجتماعی را برای خود حفاظت خواهند کرد.

طبع ظریف یا قوتی

هر انسان چه زن و چه مرد دارای طبیعتی یا قوتی است که به آن ارزش و بها داده است و تا زمانی که از آن فاصله نگرفته، تمام امور او بر وفق مراد خواهد بود، ولی چون از آن فاصله گیرد نظام امور او مختل می‌شود و این یا قوت گرانبها چیززی جز «فطرت دینی» نیست.

چرا عرض اندام زن ممنوع است؟

وقتی زن بابتی حجابی بیرون آید شیطان به استقبال او می‌شتابد و نگاههای بیگانگان و هوس‌بازان را به سوی او متوجه می‌گرداند و سیل انبوه کنایه‌ها و متلکها به سوی او سرازیر می‌شود، آری! چون جسم

افسون‌گر و زیبای زن به تنهایی خود به خود نغمه‌ها و موسیقی‌های خاموشی است که در یک زمان هم گوش از آن لذت می‌برد و هم چشم از آن لطف اندوز می‌گردد و عفت و شرف او در معرض خطر قرار می‌گیرد و حفظ شرف و عزت و کرامت زن و خانواده هدف اصلی ممنوعیت عرض اندام زن است. و زنی که به تماشای مردان و مردان به تماشای او می‌نشینند زن زندگی و رازداری و مادری برای فرزندان، و فرد سالم و امینی برای آینده نیست؛ زیرا فاقد شرافت و ادب و عفت است؛ بلکه به تعبیری دیگر شوره زاری بیش نبوده که محصولی جز خس نخواهد داشت.

بهاران که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ لاله روید و در شوره زار خس

ابوالوفاء در شعر «حلم العذاری» - رؤیای دوشیزگان - می‌سراید:

ها هما عینک تغرینی	علی شتی الظنون
فیهما بحر و موج	و سهول و حزون
و وضوح و غموض	واضطراب و سکون
و معان بینات	و معان لاتبین
و تهاویل فنون	من رشاد و جنون
و اشعات حیاری	من منی أو من حنین
لیت شعری آی سرّ	خلف هاتیک الجفون
آه ان السرّ أنسبا	عنه ذان الطائران
حینما مالا علی غصه	نیهما یعتقتان ^(۱)

«آری، این چشمهایت هستند که مرا به خیالات و حدسهای زیادی وامی‌دارد، در آنها همه چیز، از قبیل: دریا و موج دریا، دشت و زمین سنگلاخ، و وضاحت و پیچیدگی و تعقید، اضطراب و آرامش، معانی آشکار و ناآشکار، و انواع هنرها از عقلانیت و دیوانگی، پرتوهایی سرگردان با انگیزه شهوت یا از فرط شوق و ارادت وجود دارد و یافته می‌شود. ای کاش، می‌دانستم که چه رمز و رازی در پی این پلکهایت وجود دارد که این قدر جذابیت و کشش و افسونگری دارند. آه! آن راز مرا از اصل حقیقت خود خبر داد که این‌ها دو چشم دو پرنده عاشق و معشوق (مرد و زنی)

✓ زنی که به

تماشای مردان و

مردان به

تماشای او

می‌نشینند زن

زندگی و رازداری

و مادری برای

فرزندان، و فرد

سالم و امینی

برای آینده

نیست؛ زیرا فاقد

شرافت و ادب و

عفت است؛ بلکه

به تعبیری دیگر

شوره زاری بیش

نبوده که

محصولی جز

خس نخواهد

داشت.

هستند که وقتی به شاخه‌های یکدیگر خم می‌شوند یکدیگر را در آغوش می‌کشند.»

آیا، جمال زن، بمنزله گنجینه‌ای نیست که قلب را به دزد تبدیل می‌کند؟ بله، او از این قوه قهرآمیز و تسلط برخوردار است، به مثابه آهن ربایی است که بدون حرکت براده‌های آهن را به سوی خود جذب می‌کند. زن بی‌حجاب این‌گونه است چنان نیروی جاذبه‌ای دارد که بدون اراده کارهای با اراده را انجام می‌دهد که دیدن او اولین کار اوست.

بنابراین زنان از بی‌حجابی و نمایش زینت و لباس خود به شدت پرهیز کنند زیرا هر چند که قصد فریفتن مردان را نداشته باشند اما این کار بدون اراده هم انجام می‌شود. و زینت و لباس، جسم و بدن او را، و بدن و لباس به اتفاق هم زن را در معرض نمایش و نگاه دیگران قرار می‌دهند! آنگاه معرکه گرم می‌شود. و این به نمایش گذاشتن‌ها بیانگر این است که زنان و دختران جوان مفاد این آیه «و لایسبدین زینتهن»^(۱) را ترک کرده و از آن روی گردانیده‌اند.

اسلام و مبارزه با چشم چرانی

اسلام توجه و عنایت خاصی به حفظ عفت و شرف زن و خانواده و طهارت جامعه اسلامی از بی‌بندوباریها نشان داده و اسباب و علل آن را ممنوع قرار داده است تا مسأله به جاهای باریک و خطرناک کشیده نشود. بینیم قرآن برای مردان و زنان بطور مساوی چه دستور داده است: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم، ذلك ازکی لهم، ان الله خبیر بما یصنعون و قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها، و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن... و لایضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن، و توبوا الی الله جمیعاً ایها المؤمنون لعلکم تفلحون»^(۲)؛ (ای پیغمبر!) به مردان مؤمن بگو: (آنان موظفند که از نگاه به عورت و محل زینت نامحرمات) چشمان خود را فرو گیرند، و عورت‌های خویش را (با پوشاندن و دوری از پیوند نامشروع) مصون دارند، این برای ایشان زینده‌تر و محترمانه‌تر است. بیگمان

خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است (و سزا و جزای رفتارشان را می‌دهد). و به زنان مؤمنه بگو: چشمان خود را (از نامحرمات) فرو گیرند (و چشم چرانی نکنند) و عورت‌های خویش را (با پوشاندن و دوری از رابطه نامشروع) مصون دارند و زینت خویش را (همچون سر، سینه، بازو، ساعد، گردن، خلخال، گردن‌بند، بازوبند) نمایان نسازند، مگر آن مقدار (از جمال خلقت، همچون چهره و پنجه دستها) و آن چیزها (از زینت آلات، همچون لباس و انگشتری و سرمه و خضاب) که (طبیعیاً) پیدا می‌گردد. و چارقد و روسریهای خود را بر یقه‌ها و گریبانهایشان آویزان کنند (تا گردن و سینه و اندامهایی که احتمالاً از لابلائی چاک پیراهن نمایان می‌شود، در معرض دید مردم قرار نگیرد) و زینت (اندام یا ابزار) خود را نمودار نسازند مگر برای شوهرانشان... و پاهای خود را (به هنگام راه رفتن به زمین) نزنند تا زینتی که پنهانش می‌دارند (جلب توجه کند و صدای خلخال پاهایشان به گوش مردم برسد و) دانسته شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا برگردید (و از مخالفت‌هایی که در برابر فرمان خدا داشته‌اید توبه کنید) تارستگار شوید.

در این آیات سه دستور به مردان داده شده است: ۱- حفاظت چشمها و نگاهها «یغضوا من ابصارهم» ۲- حفظ عفت و شرمگاه «و یحفظوا فروجهم» ۳- توبه و رجوع.

و فلسفه اول دو دستور را چنین بیان کرده است «ذلك ازکی لهم» این برای شان پاکیزه‌تر است. و به آنان هم هشدار می‌دهد که بدانند، همانا خداوند به آنچه که آنان انجام می‌دهند کاملاً آگاه و مطلع است تا اینکه اگر کسی به فلسفه و هدف این دو دستور پی نبرد و از آن باز نیامد تهدید و هشدار بعدی او را باز دارد.

اما به زنان شش دستور داده است: ۱- حفاظت نگاه و چشمها ۲- حفظ عفت و شرمگاه ۳- ظاهر نکردن زینت و آرایش ۴- پوشیدن چادر و حجاب شنکوبیدن پاها عتوبه و رجوع

✓ بنابراین زنان از بی‌حجابی و نمایش زینت و لباس خود به شدت پرهیز کنند زیرا هر چند که قصد فریفتن مردان را نداشته باشند اما این کار بدون اراده هم انجام می‌شود.

و این همه دستورات برای تأمین یک هدف است و آن فلاح و رستگاری آنان در دنیا و آخرت.

این کثرت اوامر و تنوع آنها به زنان بیانگر نفوذپذیری شیطان در آنان و گمراه کردن مردان از طریق آنان می باشد بنابراین باید زنان و مردان مؤمن بیش از پیش مواظب باشند.

و چرا مردان و زنان از نگاه ناروا باز داشته شده اند، چون نگاه بزرگترین خائن روانی است که روان انسان را می آزارد چون وقتی ببیند محبت طرف مقابل در دل او جای می گیرد و همیشه در فکر و خیال او به سر می برد لذت طاعات و عبادات را نمی بیند در صدد و فکر رسیدن به مطلوب خود خواهد بود که در این باره تمام مرزها را در نور دیده و قیود را از هم می گسلد.

اما حفظ فرج چرا؟ سید قطب می نویسد: «حفظ فرج» پیامد طبیعی فرو خواباندن چشم است و گامی است در استواری اراده و هوشیاری در حفاظت از افتادن در گناه و تسلط بر خواهشهای نفسانی، از این روی بین آن دو در یک آیه جمع کرده، تا نشان دهد یکی حالت سبب و دیگری جایگاه نتیجه را دارد، هر دو گامهایی هستند پی در پی، در صفحه ذهن و صحنه زندگی، نزدیک به نزدیک.^(۱)

پیامدهای ناهنجار نگاههای آلوده و حرام

شیخ صابونی می نویسد: «نگاه کردن مقدمه واقع شدن در فجور و... است.»^(۲)

برسوی می نویسد: «قرین شدن نهی از نگاه و حفظ فرج مشعر به این است که خطر نگاه بسیار است چه بسا سبب زنا بشود.»^(۳)

لذت بردن از جمال و زینت بیگانه، انگیزه و محرک فتنه و مصیبت مردان است بهمین دلیل کيفر نگاه ناروا در حدیث چنین آمده است، آن حضرت علیه السلام فرمودند: «هر که به محاسن زن بیگانه ای به قصد لذت بردن نگاه کند روز قیامت در چشمانش سرب گداخته ریخته می شود.»^(۴)

یکی دیگر از پیامدهای خطرناک نگاه حرام، برانگیختن شهوت است:

«نگاه پنجره ای است که چون بی حساب و بدون مرز گشوده شود، آتش شهوت و هیجان را بر خواهد

افروخت، نگاههای آلوده زمینه ساز غلیان آرها و ایجاد کُششها هستند. نگاههای آلوده پی آمدی جز فحشا، سیاهی دل و نکبت های اجتماعی نخواهد داشت. نگاه راهبر دل، دام شیطان، بذر شهوت و رویشگاه فسق و فجور است، هرزگی چشم دل را خواهد لرزاند، و آرامش و ثبات را از آن خواهد گرفت، فتنه ها بر خواهد انگیخت، فسادها بر خواهد آورد.»^(۵)

یک خانم نویسنده انگلیسی در تمجید از حفظ نگاه و حجاب و مذمت بی حجابی و طغیان جنسی و شهوترانی در غرب می نویسد: «آزادی زنان در غرب رفته رفته منجر به از دست رفتن محبت همسران از قلوب یکدیگر خواهد شد. بنابراین به خدا سوگند این احوال فاقد عفت و ننگین ما را وادار می کند که تغییر جهت داده و با علاقه و میل پای بند حجاب شرقی ها (مسلمانان) باشیم تا هنر محبت و عشق حقیقی را از سر نو یاد بگیریم.»^(۶)

آری دنیای غرب از این بی حجابی و چشم چرانی مطلق به ستوه درآمده و به معایب و فرآیندهای آن اعتراف می کند، عفاف و پاک دامنی و ضبط نگاه از صفات مهم و ایده آلی است که خداوند متعال در توصیف خصایل اخلاقی زنان سیمین بدن بهشتی و پاک طینت می فرماید: «فیهن قاصرات الطرف لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان»^(۷)؛ در باغهای بهشت زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی ورزند و پیش از آنان کسی از انسانها و پریها با ایشان نزدیکی و مقاربت نکرده است.

و در توصیف رسول اکرم ﷺ آمده است: «وکان خافض الطرف، نظره الی الارض اطول من نظره الی السماء... و کان أشد الناس حیاء»^(۸)؛ آن حضرت فرو هشته چشم

۱- سید قطب، فی ظلال القرآن: ۲۵۱۲/۴

۲- صابونی، روائع البیان: ۱۴۸/۲

۳- برسوی، روح البیان: ۱۴۱/۶

۴- تکملة فتح القدیر: ۹۷/۸

۵- فتحیه فتوحی زاده، حجاب، ص: ۷۰

۶- رافعی، وحی القم: ۱۶۸/۱، دارالقلم العربی، سوریه، حلب

۷- رحمن: ۵۶

۸- ابوداؤد، ترمذی، و قال حدیث حسن صحیح

✓ آزادی
زنان در غرب
رفته رفته منجر
به از دست رفتن
محبت همسران
از قلوب یکدیگر
خواهد شد.
بنابراین به خدا
سوگند این
احوال فاقد عفت
و ننگین ما را
وادار می کند که
تغییر جهت داده
و با علاقه و میل
پای بند حجاب
شرقی ها
(مسلمانان)
باشیم تا هنر
محبت و عشق
حقیقی را از سر
نو یاد بگیریم.

بود، نگاهش به زمین طولانی‌تر از نگاهش به آسمان بود... و از همه مردم در حیاء شدیدترین بود.

حضرت ام سلمه (رضی الله عنها) گفته‌اند: «من و میمونه در محضر حضرت رسول اکرم ﷺ حاضر بودیم که ناگاه ابن ام مکتوم آمد - این بعد از فرضیت حجاب و دستور به رعایت حجاب شرعی ما بود - آن حضرت علیه السلام فرمودند: «خودتان را از او ببوشانید»، ما گفتیم: «یا رسول الله، او نابینا است ما را نمی‌بیند و نمی‌شناسد» آن حضرت علیه السلام فرمود: «آیا شما دو تا هم نابینا هستید؟! آیا شما او را نمی‌بینید.»^(۱)

امهات مؤمنان بدور از شائبه لذت بردن از مرد بیگانه‌ای بودند ولی آن حضرت علیه السلام با این دستور به دیگر زنان امت یاد دادند که باید از نظاره مردان بیگانه پرهیز کنند.

و در حدیثی دیگر آمده است که: «آن حضرت علیه السلام به داماد خویش حضرت علی ﷺ فرمود: (اگر بطور اتفاقی) نگاهت (به زنی) افتاد (بار دیگر) نگاه (دوم) را پشت سر آن نفرست، چون اولین نگاه به نفع توست (یعنی برایت گناهی ندارد) و دیگری به نفع تو نیست.»^(۲)

چون نگاه اول بدون قصد و هدف لذت بردن بوده است و امکان پرهیز از آن زیاد ممکن نیست، ولی اگر نگاه دوم را انداختی بدان که این در توان انسان است که آن را کنترل کند و از یک خبث درونی حکایت می‌کند که انگیزه آن لذت بردن است، بنابراین برای آن گناه در نظر گرفته می‌شود، اما اگر اتفاقی و نابه هنگام چشم انسان به موردی بیفتد چه کار باید کرد؟! در این مورد حضرت رسول اکرم ﷺ در جواب سؤال حضرت جابر بن عبدالله انصاری ﷺ که درباره نگاه اتفاقی پرسیده بود فرمود: «اصرف بصرک»^(۳)؛ نگاهت را بر گردان.

زیرا چقدر نگاهها بوده‌اند که حسرت‌های زیادی برای انسان به دنبال داشته‌اند، حضرت رسول خدا ﷺ در عمل نیز نگذاشته‌اند که یاران وی در دام چشم چرانی و لذت نظر به بیگانگان بیفتند و از این راه شکار شوند به جریان فضل بن عباس نگاه کنید،

حضرت ابن عباس (رضی الله عنهما) فرمود: «فضل با رسول خدا ﷺ بر مرکبی سوار بود، زنی از قبیله خثعم بنابه ضرورتی پیش رسول خدا ﷺ مراجعه کرد، فضل به آن خانم و آن خانم به فضل نگاه می‌کرد، و پیامبر اکرم ﷺ صورت فضل را به جانب دیگر بر می‌گردانید.»^(۴)

نهی از دنبال‌روی شیطان

شیطان برای از هم پاشیدن زنجیره خانواده‌ها و به فساد کشیدن‌شان برنامه‌های زیادی دارد که هر کدام با دیگری متفاوت است و یکی از برنامه‌هایش توطئه چشم چرانی و اباحیگری است، که قرآن کریم به شدت از پیروی و همگامی شیطان بر حذر داشته است: «یا ایها الذین آمنوا لاتتبعوا خطوت الشیطن و من يتبع خطوت الشیطن فانه یأمر بالفحشاء و المنکر»^(۵)؛ ای مؤمنان! گام به گام شیطان، راه نروید و دنبال او راه نیفتید، چون هر کسی گام به گام شیطان راه برود و دنبال او بیفتد (مرکب پلشتیها و زشتیها می‌گردد) چرا که شیطان تنها به زشتیها و پلشتیها (فرا می‌خواند) و فرمان می‌راند.

بنابر این جامعه اسلامی، پسران جوان و دختران جوان، زنان و مردان همه و همه باید موعظه و پند خداوند را بپذیرند و آن عدم بازگشت به معاصی است «یعظکم الله ان تعودوا لمثله ابدأ ان کتم مؤمنین»^(۶)؛ نصیحت می‌کند شما را خداوند از اینکه باز گردید به مانند این برای همیشه، اگر شما مؤمن هستید.

در غیر این صورت بشریت می‌عادگاه و دادگاهی دارد که در آن زبانها و دستها و پاها به سخن درآمده و اعتراف می‌کنند: «یوم تشهد علیهم السننهم و ایدیهم و ارجلهم بما کانوا یعملون»^(۷)؛ روزی که شهادت می‌دهد علیه آنان زبانهایشان و دستهایشان و پاهایشان به آنچه

✓ پسران جوان و دختران جوان، زنان و مردان همه و همه باید موعظه و پند خداوند را بپذیرند و آن عدم بازگشت به معاصی است «یعظکم الله ان تعودوا لمثله ابدأ ان کتم مؤمنین»؛ نصیحت می‌کند شما را خداوند از اینکه باز گردید به مانند این برای همیشه، اگر شما مؤمن هستید.

۱- رافعی، وحی القلم: ۳۲/۲

۲- ابوداود، باب ما یؤمر به من غض البصر

۳- ابوداود، باب سابق

۴- متفق علیه، اللؤلؤ و المرجان: ۸۴۴

۵- نور: ۲۱

۶- نور: ۱۷

۷- نور: ۲۴

انجام می دادند.

دادگاه فوق و بازجویی ها و حساب پس دادنهای آن بسیار سخت و رسواکننده است.

جامعه ایده آل و عروج و زوال نظامهای سیاسی

جامعه ایده آل جامعه ای است که مردان و زنان آن به تعالیم عالی اسلام عمل کرده و اخلاق شان را در پرتو آن و در چهارچوب شرع اصلاح کنند تا حکومت اخلاق در دلها فراهم گردد. چون اگر عفت و شرافت زن و مرد بازبچه هوسبازان قرار گیرد آن جامعه جامعه گنبدیده ای است که بوی انسانیت از آن به مشام نمی رسد.

رافعی رحمته الله علیه می نویسد: «آندری یا فتی ما هی الحکومة الصحیحة فی مثل حالتنا؟ هی ان تحکمو انتم فی الشعب حکومت اخلاقیه نافذة القانون، فتنضبطوا اخلاق النساء و الرجال، و نزدوها کلها اخلاقاً محاربة لا تعرف الا الجد و الکرامة و صرامة الحق، و الا فکما تکتونون یولی علیکم»^(۱)؛ ای جوان، آیا می دانید که در این وضعیت حکومت درست چیست؟ حکومت اخلاق را حاکم کنید که قانون در آن عمل شود، و اخلاق زنان و مردان را درست کنید و اخلاق آنان را اخلاقی تهاجمی قرار دهید که چیزی جز جدیت و کرامت و قاطعیت در حق را نداند و گر نه آن گونه که هستید بر شما چنان حاکمانی گمارده می شود.

بلکه اگر جوانان جامعه بی بندوبار بوده و فاقد حکومت اخلاق در درون خود باشند، نظام سیاسی حاکم هم دوام و موفقیتی نخواهد داشت.

«و بهذا لن نفلح حکومت سیاسیة فی الشرق الناهض ما لم یکن شبایها حکومت اخلاقیه یعدّها من نفسه و من الشعب فی کل حادته بالاخلاق المحاربة»^(۲)؛ بنابراین قاعده، هیچ حکومت سیاسی در شرق نو پا موفق نخواهد شد تا زمانی که جوانان آن از حکومتی اخلاقی برخوردار باشند که جوانان و ملت، آن دولت را در هر حادثه با اخلاق مبارزه گرایانه با پلیدیها کمک کنند.

حکومتهایی که توجهی به ریشه کن کردن مفساد و اصلاح اخلاق ملت خود ندارند؛ بلکه می خواهند

مشکلات جنسی نسل جوان را با آزادی بی قیدوبند انسان حل کنند و زنان و مردان را به حال خود می گذارند، این سیاست، سیاست اصلاح با فساد بیشتر، و مداوای تب ساده با طاعون، قطع پستان مادر در میان لبهای شیرخوار ناتوان و محتاج است که نه این که نتیجه درستی ندارد؛ بلکه مشکل را بغرنج تر می کند. بوصیری رحمته الله علیه در مدیحه برده می سراید:

ان النفس كالطفل ان تهمله شب
على حب الرضاع وان تفضمه ينظم
فلاترم بالمعاصي کسر شهوتها
ان المعاصي یقوی شهوة النهم

نفس اماره انسان به مثابه طفلی است اگر او را به حال خود بگذارید بر شیرنوشی علاقه مند و تقویت می شود و اگر او را از شیر بازگیری، باز گرفته می شود. پس با معاصی در صدد ارضای شهوت نفس مباش، چون معاصی شهوت فرد پرخور و شکمو را بیشتر تقویت می کند...

دزدی کار زشتی است ولی دزدی مراتبی دارد، دزدی یک تکه گوشت از دکان قصابی هم دزدی و کار زشتی است حال اگر کسی بیاید موجودی بنام زن را با یک چشمک زدن از دست شوهرش یا از خانواده اش بدزدد، تفاوتی با دزدی قبلی دارد؟ بلکه زشت تر و خطرناک تر از تمام دزدی ها است. و عار و ننگ دزدی اول فراتر از یک مغازه نمی رود، اما عار و ننگ زن در حریم خانه محدود نمی شود، بلکه به تمام خانه و محله ها و محافل نفوذ می کند و انسان را سرخورده می کند.

اینجاست که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «کنترل و پاسداری از حریم خانواده و زیردستان را شدت ببخشید، «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»؛ همه شما راعی و همه شما مسئول زیردستان خود هستید.

سه مصیبت در یک مصیبت

اگر خدای ناکرده زن از بی حجابی و لذت رساندن با

۱- مصطفی صادق رافعی، وحی القلم: ۲۲۶/۲
۲- رافعی، وحی القلم: ۲۲۷/۲، دارالقلم العربی، سوریه، حلب

✓ اگر

جوانان جامعه

بی بندوبار بوده و

فاقد حکومت

اخلاق در درون

خود باشند، نظام

سیاسی حاکم

هم دوام و

موفقیتی نخواهد

داشت.

جوانان، هر یک از شما توان ازدواج دارد باید ازدواج بکند، چون ازدواج چشم را بیشتر از هر چیز نگه می‌دارد و شرمگاه را بیشتر محافظت می‌کند، و هر که این توان را ندارد به او روزه پیشنهاد می‌شود، چون روزه قاطع غریزه است.

تزکیه نفس

تزکیه نفس یکی از راههای علاج است که بر اثر ممارست و تمرین برای انسان امری عادی می‌شود که با پای بندی و مداومت بر احکام اسلامی عاید انسان می‌شود و به راهنمایی‌های مربیان دینی و اخلاقی گوش فرا دهد و سیرت علمای ربانی و مربیان اخلاق را مطالعه نماید و سعی کند آنها را در زندگی خود پیاده کند، و قرآن و سنت سرلوحه این برنامه اصلاحی است که انسان را تزکیه کرده و از عواقب و کیفر خصایل بد بویژه چشم چرانی برحذر می‌دارد، خوشا به سعادت فرد تزکیه شده و تائب.

«قد افلح من زكاهَا، وقد خاب من دسها»^(۴)؛ به یقین رستگار شد کسی که نفس خود را پاک و صاف کرد، و به یقین زیان دید کسی که نفس خود را آلوده کرد. «یعلم خائنة الأعین وما تخفی الصدور»^(۵)؛ خداوند چشمهای خائن را می‌داند و آنچه در سینه‌ها پنهان است.

از خداوند متعال عاجزانه التماس دارم که من و خوانندگان را از شائبه تمام گناهان و عواقب آن نجات دهد.

«اللهم آتِ نفسی تقواها، وزكها انت خیر من زكها، انت ولیها و مولاها و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم»



جمال و آرایش خود به نگاه بیگانگان دست نکشد، سرخورده جامعه شده و سقوط می‌کند و سقوط او سقوط یک نفر نیست، بلکه سقوط سه گروه و سرخوردگی آنان است.

رافعی رضی الله عنہ می‌نویسد: سقوط زن بنابه شدت و خطیر بودن آن، سه مصیبت را به بار می‌آورد: «مصیبت سقوط خود زن، مصیبت سقوط شرافت والدین، مصیبت سقوط شرافت فرزندان و تمام مصایب خانواده، در خانه مستور می‌ماند جز عار و ننگ زن»^(۱)

راههای علاج این معضل اخلاقی

یکی از این راهها استفاده از عقل و منطق است. عادت‌هایی که به سالیان دراز برای ما طبیعت ثانوی شده یک شبه از سر به در نمی‌رود، ولی خوشبختانه اگر به دستور عقل و منطق و با عزمی راسخ رفتار کنیم و شتاب زده نباشیم هر خلق و خوئی هر چه کهنه باشد خیلی زودتر از آنچه آمده خواهد رفت.

باید اول قواعد کلی را که بر وجود انسانی حکم فرما است فرا بگیریم پس از آن هر چه بهتر شخص خودمان را بشناسیم یعنی بدانیم چه خلیقه و عادت‌هایی را می‌خواهیم در خود عوض کنیم و کدام را رشد و نمو بدهیم و بخصوص بفهمیم چه قابلیت خاصی در ما موجود است که بتواند در زندگی مایه برجستگی و کامیابی باشد، بعد از آنکه باین تشخیص‌ها موفق شدیم باید خود را به صفات پافشاری و شکیبایی مجهز کنیم و همواره ناظر و مواظب خود باشیم و تا اصلاحی را که در نظر گرفته‌ایم در خود بوجود نیاوریم، دست از کوشش و مجاهده برنداریم»^(۲)

✓ عادت‌ها

که به سالیان دراز برای ما طبیعت ثانوی شده یک شبه از سر به در

نمی‌رود، ولی خوشبختانه اگر به دستور عقل و منطق و با عزمی راسخ رفتار کنیم

و شتاب زده نباشیم هر خلق و خوئی هر چه کهنه باشد خیلی زودتر از آنچه آمده خواهد

ازدواج

یکی دیگر از راههای علاج چشم چرانی ازدواج در سایه تفاهم و شناخت بین همسران جوان و گردن نهادن به سنن اسلامی است.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «یا معشر الشباب من استطاع منکم الباءة فلیتزوج، فانه اغض للبصر و احصن للفرج، و من لم یستطع فعلیه بالصوم فانه لم و جاء»^(۳)؛ ای

۱- رافعی، وحی القلم: ۲۱۷/۱، دارالقلم العربی، سوریه، حلب

۲- رشد شخصیت، ص: ۲۶ - ۳- متفق علیه

۴- تفسیر: ۱۰-۹ - ۵- غافر: ۱۹